پرچم

ناشر اندیشه های دموکراتیک خلق افغانستان

شماره (ششم) ۲۹ حمل ۱۳۴۷ هـ - ۱۸ اپریل ۱۹۶۸ ع

راه غیرسرمایه داری

راهیست بسوی آزادی و خوشبختی خلقها

پیروزی عظیم جنبش آزادیبخش ملی و پیدایش دولت های جدیدی که به استقلال سیاسی نایل گردیده‌اند سیمای جهان استعماری را دگرگون ساخت. جهان در مرحلهٔ نوین و عالی تر انقلاب های خروشان رهایی‌بخش ملی گام نهاد و امکاناتی بوجود آمد که این جریان‌ها عمیقاً به انقلاب های ضد امپریالیستی و ضد سرمایه‌داری جهانی بدل گردند. هدف این موج نیرومند جنبش انقلابی استقلال اقتصادی و ترقی اجتماعیست.

انتخاب راه رشد غیرسرمایه داری از طرف یک سلسله از کشورهای مستقل نوبنیاد آسیایی و آفریقایی یکی از حوادث مهم این جریان انقلابی جهانی را تشکیل می‌دهد. اتخاذ این راه رشد در دوران کنونی جنبش آزادیبخش ملی ناشی از ضرورت عینی ایست که با اوضاع‌واحوال داخلی و بین‌المللی این کشورها ارتباط دارد.

مبارزهٔ نجات‌بخش ملی به پیش میرود:

تنها با احراز استقلال سیاسی مبارزهٔ، مبارزه نجات‌بخش ملی به پایان نمی‌رسد. کشورهای مستقل نوبنیاد با تشکیل دولت های ملی، برای استقلال اقتصادی و تقویت استقلال سیاسی، دلیرانه و پیگیر مبارزه می‌کنند.

خلقهای کشورهای که در ظاهر امر مستقل‌اندولی عملاً در قید وابستگی سیاسی و اقتصادی انحصارات سرمایه‌داری بیگانه بسر می برند، به مبارزه علیه امپریالیسم و رژیم های ارتجاعی هوادار آن به پا خواسته‌اند.

نیرومندی روزافزون سوسیالیسم و ضعف امپریالیسم به مقیاس جهانی به خلق های کشورهای آسیایی، آفریقایی و امریکای لاتین امکانات وسیعی را میسر می‌سازد تا به تجدید حیات ملی خود بپردازند و به فقر و عقب‌ماندگی دیرینه پایان بخشند و به استقلال اقتصادی نایل آیند. ولی شرط اساسی نیل به استقلال اقتصادی، عبارت از مبارزهٔ پیگیر علیه امپریالیزم و سرمایه‌داری جهانی است، چه امپریالیسم با شیوه‌ها و اشکال نوین استعماری کوشش می‌کند تا مستعمرات سابق و کشور های نیمه مستعمره را در قید سیستم اقتصادی سرمایه‌داری جهانی نگهدارد.

عمده‌ترین شیوه و شکل نوین استعمار، توطئه و نقب گذاری و تعرض امپریالیست‌ها در عرصهٔ اقتصادی است. امپریالیست‌ها به بهانهٔ «کمک» به کشورهای کم رشد آسیا و افریقا، تشویق راه رشد سرمایه‌داری، تقویه

(ص ۲)

امنیت عامه و طبقات حاکمه

محافل حاکمهٔ ارتجاعی، غالباً مفهوم «امنیت عامه» را وقتی عنوان کرده‌اند که منافع طبقاتی‌شان در خطر افتاده است و با استفاده از این سلاح آماده، جلو هرگونه نهضت و جنبش را برای حفظ مواضع ستمگرانه و بقای تسلط خویش، سد نموده‌اند.

مثلاً هرگاه فردی و یا گروهی از عناصر وطن‌پرست، بخاطر تأمین آزادی‌های دموکراتیک و حفظ حقوق مردم علیه بیدادگری‌ها و ستم های بیشمار طبقات حاکمه بپا خواسته و بمبارزه پرداخته‌اند، فوراً سرپنجهٔ امنیت عامه (!) گریبان شانرا گرفته و رهسپار شکنجه‌گاه‌ها گردیده‌اند.

همچنان اعمال ضد قانونی مانند قیودات در برابر آزادی فکر و بیان و اجتماعات، جزاهای مخالف کرامت انسانی، مجازات بدون محاکمهٔ علنی و حضوری، توقیف‌های خلاف قانون، تعذیب‌های تحمل شکن، تعقیب‌ها، تعرضات به مسکن اشخاص، تجاوز به آزادی و محرمیت مخابرات مردم، ظلم و ستمگری متنفذین و مستبدین محلی، رشوه ستانی مأموران بی‌رحم، قتل و تجاوز، سوزاندن دهقانان بی‌دفاع، دزدی و سرقت، کارهای اجباری، تحمیق و استثمار مادی و معنوی زحمتکشان به اشکال مختلف، سال‌هاست که خلق‌های کشور را در منجلاب وضع رقت باری نگهداشته است.

کافیست گفته شود «ضبط احوالات» و سایر دستگاه‌های استخباراتی و جاسوسی فعال مایشاء کشور عمرهاست چون هیولای وحشتناکی بر زندگی خلق‌های ما سایه افگنده و عمال آنها چون شبح هراس‌انگیزی به تعقیب عناصر ملی و وطن‌پرست می‌پردازند و بر ضد ابتدایی ترین حقوق و آزادی‌های مردم عمل می‌نمایند و بالای توده‌های وسیع زحمتکشان در دهات و شهرها ستم‌ها و مصایب غم انگیزی را تحمیل می‌کنند.

این وقایع، هر روز در کشوری اتفاق می‌افتد که محافل حاکمهٔ سیاسی آن، سال‌هاست داد از امن عامه و «کرامت بشری» میزنند درحالی‌که امنیت و کرامت تنها متنفذین و مستبدین وجود دارد، نه برای

«ص ۲»

در کشور های کم رشد سکتور

دولتی اقتصاد خصلت آشکار ضد امپریالیستی دارد

دشوارترین و پیچیده‌ترین وظایفی که در برابر ملل کشورهای کم رشد قرار دارد وظایف چندین جانبهٔ اقتصادی و از آنجمله تقویه و تکامل سکتور دولتی اقتصاد است که خصلت ضد امپریالیستی دارد. بعضی‌ها سکتور دولتی اقتصاد را در کشورهای کم رشد،غالباً سرمایه‌داری دولتی و یا «سرمایه‌داری بیروکرات ...(!)» تعریف می‌کنند. چنین تعریفی برای دوران تکامل غیرسرمایه داری بسیار کلی و مبهم است. معهذا اگر اصطلاح سرمایه‌داری (کاپیتالیسم) دولتی را نیز بکار ببریم، بازهم درینجا تذکر این نکته ضروریست که سرمایه‌داری دولتی در کشورهای در حال رشد، با سرمایه‌داری انحصاری دولتی در کشورهای امپریالیستی تفاوت دارد. در کشورهای کم رشد، سرمایه‌داری دولتی و شکل نخستین و عمدهٔ آن یعنی سکتور دولتی اقتصاد هم وسیلهٔ مبارزه با انحصار های امپریالیستی و اقتصاد استعماری درین کشورهاست و هم وسیلهٔ رشد سریع اقتصاد ملی و پیشروی در راه استقلال اقتصادی، بخصوص در کشورهای که مناسبات سرمایه‌داری در آنها قوام نگرفته است، امکانات وسیعی وجود دارد که از سکتور دولتی به نفع مردم و برای ایجاد بنیاد اقتصادی، استقلال ملی و دموکراسی سیاسی استفاده بعمل آید.

باید خاطرنشان کرد که درین کشورها سکتور دولتی اقتصاد هنوز سوسیالیستی نیست، ولی سرمایه‌داری هم بوده نمی‌تواند، یعنی خصلت انتقالی دارد و امکاناتی را بوجود می‌آورد که بدون طی مرحلهٔ سرمایه‌داری پایه‌های مادی و فنی نظام نوین اجتماعی ایجاد می‌شود.

این حرف درست است که اغلب کشورهای نو استقلال آسیائی و افریقایی به خطر جدیدی مواجه استند، موضوع بحث ما بورژوازی بیروکراتیک یا باصطلاح «ملاک بیروکرات و تاجر بیروکرات» است که با اختلاس و رشوه ستانی کیسه‌های خود را پر می‌کنند، پیکر اقتصادی این کشورها را ضعیف تر می‌سازند، پول های فراوان را بخارج انتقال می‌دهند و منافع خود را با امپریالیسم در می‌آمیزند. بورژوازی رشوه ده با رخنه کردن در دستگاه دولتی و در سازمان های اقتصادی چون «خفاش خون‌آشامی شیرهٔ حیاتی پیکر جوانی را که هنوز قوام نیافته است، می‌مکد.» مرتجعین می خواهند همیشه سکتور دولتی را در برابر سکتور خصوصی بی‌اعتبار سازند و قسمتی از آنان را دستبرد زنند، حاصل دهی کار را پائین آورند و کارگران را تحت فشار قرار دهند و کیفیت و کمیت محصولات را خراب‌تر سازند و سپس آنرا بر پایهٔ اقتصاد سرمایه‌داری تغییر ماهیت دهند. بدین ترتیب رشد و تکامل اقتصاد و جنبش ضد امپریالیستی را دچار وقفه نمایند. ارتجاع با زرنگی و مهارت تمام با تبلیغات تیپ بورژوائی سعی می‌کند که ازین وضع سوءاستفاده نموده، از طریق نمایندگان خود اعلام دارد که سکتور دولتی برای رشد سریع اقتصاد نمی‌تواند سرمشق و نمونه باشد. بنا به ادعای مرتجعین و عمال استعمار نوین، «سکتور دولتی اقتصاد بیشتر مظهر اسراف و تبذیر و بی‌ثمری اقتصادیست» و گویا موجب بیکاری و علت اصلی فقر و جهل و بیماری می‌گردد و تقویهٔ سکتور دولتی اقتصاد وابستگی ما را به امپریالیسم بار ... می‌آورد.

از آنجاییکه سکتور دولتی در کشورهای کم رشد ماهیت ضد امپریالیستی و ضد فیودالی دارد، امپریالیسم و محافل ارتجاعی تلاش می‌نمایند که آنرا بی‌اعتبار سازند. بنا بر آن «مبارزه در راه تقویت و تکامل سکتور دولتی یکی از مهم ترین وظایف ... نیروهای مترقی است که در راه دموکراسی ملی مبارزه می‌کنند».

باید تذکر داد که حتی در یک عده از کشورهای آسیائی و افریقایی (جمهوریت متحدهٔ عربی، سوریه، الجزایر، مالی گینی، برما) که دموکراسی ملی هنوز به پیروزی نرسیده اما سکتور دولتی خصلت آشکار ضد امپریالیستی خود را نشان داده است و سکتور دولتی

(ص ۳)

از «ص اول»

راه غیر سرمایه‌داری ...

سکتور خصوصی اقتصاد و صدور سرمایهٔ انحصارات خارجی و تشکیل شرکت های مختلط و همچنان از طریق تخریب و تبلیغات سست‌بنیاد و واهی، علیه راه رشد غیر سرمایه‌داری، علیه سکتور دولتی اقتصاد، علیه پلان گذاری دولتی، می‌خواهد مواضع سابق ارتجاعی خود را درین کشورها استحکام بخشند و مواضع جدیدی بدست آورند، تکیه‌گاه اجتماعی خود را توسعه دهند و به اصطلاح بورژوازی ملی و «تاجران ملی» را بسوی خود جلب کنند. درین مرحلهٔ جنبش آزادی‌بخش ملی، محافل ارتجاعی فیودالی و طبقات ستمگر داخلی بمثابه پایگاه عمده، نقش متحد امپریالیسم را ایفا می‌کنند.

این نیروهای سیاه خارجی و داخلی می‌کوشند که جنبش آزادی‌بخش را در نیمه راه نیل به استقلال اقتصادی متوقف سازند و آزادی اقتصادی کشور های کم رشد را در سایه نگاهدارند.

پس سؤال در اینجاست که علم مخالفت را علیه بسط و توسعهٔ مواصلات و مخابرات، زیرسازی اقتصادی، سروی منابع طبیعی، افزایش تولید انرژی، برق، زغال، گاز و غیره برافراشتن، عملاً قرار گرفتن در موضع مدافعین استعمار نوین نیست؟ واقعاً قرینه‌سازی های نادرست چطور انسان را به گمراهی سوق می‌دهد... (!)

به‌هرحال یکی از مسایل اساسی که در برابر خلق‌های کشور های کم رشد قرار می‌گیرد اینست که این کشورها برای تأمین استقلال کامل ملی و رشد اقتصادی چه راهی را باید به پیمایند. راه رشد سرمایه‌داری یا غیرسرمایه داری؟

راه رشد سرمایه‌داری:

راه رشد سرمایه‌داری به ملل این کشورها چه می‌دهد؟ «سرمایه‌داری راهی پر از رنج و درد برای خلق‌ها است، سرمایه‌داری نمی‌تواند پیشرفت سریع اقتصاد را تأمین کند و فقر و گرسنگی را از میان بردارد. در نظام سرمایه‌داری نابرابری اجتماعی تشدید می‌گردد. تکامل سرمایه‌داری در ده دهقانان را بیش‌ازپیش به فقر و گرسنگی و خانه‌خرابی می‌کشاند. سرنوشت کارگران یا کار توان‌فرسا برای افزایش قدرت سرمایه‌داران خواهد بود و یا پیوستن به صفوف لشکر سیاه بیکاران. بورژوازی کوچک در رقابت با سرمایهٔ بزرگ به سراشیب ورشکستگی خواهد غلتید. توده‌ها از نعمت فرهنگ و تحصیل همچنان محروم خواهند ماند. روشنفکران مجبور خواهند شد استعداد و قریحه‌های خود را به معرض فروش بگذارند...»

همچنان نکتهٔ مهم اینست که راه رشد سرمایه‌داری مسأله اساسی کشور های کم رشد را که همانا جبران عقب‌ماندگی نسبت به کشور های پیشرفته است، حل نمی‌کند. شکاف عمیقی میان کشور های کم رشد و کشورهای پیشرفته وجود دارد که بورژوازی ملی و یا «تاجران ملی» ناتوان این کشورها قادر نیستند راهی را که کشورهای صنعتی در طول دو تا سه قرن طی کردند، در مدت کوتاهی بپیمایند. توده‌های مردم نیز حاضر نیستند که صدها سال برای بهبود وضع زندگی مادی و فرهنگی خود انتظار بکشند. پس سؤال اساسی در اینجاست که چه باید کرد و کدام راه رشد را انتخاب نمود؟ برای پاسخ باین سؤال ببینیم که راه رشد غیرسرمایه داری و رسیدن به «هدف غائی» برای خلق‌ها چه ارمغان می‌آورد؟

راه رشد غیرسرمایه داری:

راه رشد غیرسرمایه داری در وجود شکل دولت دموکراسی ملی، راهیست که در مرحلهٔ کنونی جنبش آزادی‌بخش ملی، بقایای استعمار را از کشورهای کم رشد محو می‌سازد، تسلط امپریالیزم را ریشه کن می‌کند، انحصارهای سرمایه‌داری را طرد می‌نماید، صنایع ملی را احداث می‌کند، نظامات و بقایای فیودالیزم را ملغی می‌سازد، اصلاحات اساسی ارضی را با شرکت همهٔ دهقانان و به نفع دهقانان انجام می‌دهد، ترقی اجتماعی را تأمین می‌کند و سرانجام امکانات ساختمان مبنای مادی و فرهنگی انتقال به مرحلهٔ سوسیالیسم یعنی «هدف غایی» را تدارک می‌بیند و درین مرحله (هدف غایی) است که راه خلق‌ها بسوی آزادی و خوشبختی باز می‌گردد. دیگر این راه راهی است که «اعتلای سریع اقتصاد و فرهنگ را تأمین می‌کند، کشور عقب مانده یی را، نه در طول قرن‌ها، بلکه در طول زندگی یک نسل، به کشور صنعتی مبدل می‌سازد. اقتصاد سوسیالیستی که از روی پلان انجام می‌گیرد، بنا بر سرشت خود اقتصاد اعتلا و شگفتگی است. محو استثمار انسان از انسان، به نابرابری اجتماعی پایان می‌بخشد، بیکاری بطور کامل در جامعه از بین میرود، ... کلیهٔ دهقانان را از لحاظ زمین تأمین می‌کند، در توسعهٔ اقتصاد به آنها کمک می‌رساند، آنها را بر اساس داوطلبی در کوپراتیف‌ها متحد می‌کند، فن زراعت مترقی و علم زراعت را در اختیار آنان می‌گذارد، کار دهقانان ثمربخش‌تر می‌گردد و زمین حاصل بیشتری می‌دهد...سطح زندگی مادی و فرهنگی طبقهٔ کارگر و تمام زحمتکشان را به سطح عالی ارتقا می‌دهد ... توده‌های مردم را از نادانی و جهالت بیرون می‌کشد، و آنها را با فرهنگ معاصر آشنا می‌سازد. در برابر روشنفکران افق وسیعی برای کار خلاق به نفع خلق پدید می‌گردد.»

این امر که مستعمرات سابق که اکنون دارای استقلال سیاسی‌اند، ازین دو راه رشد کدام راه را انتخاب کنند، منوط است به چگونگی تناسب قوای طبقاتی درین کشورها. «راه تکامل غیرسرمایه داری در نتیجهٔ مبارزهٔ طبقهٔ کارگر، توده‌های مردم و جنبش دموکراتیک همگانی تأمین می‌گردد و چنین راهی با منافع اکثریت ملت مطابقت دارد.»

تصریح این امر ضروریست که تعقیب پارهٔ از هدف‌ها و مقاصد در زمینهٔ راه رشد غیرسرمایه داری بعنوان «سوسیالیسم» در بعضی از کشورهای کم رشد آسیایی و افریقایی از سوسیالیسم علمی بدور می‌باشد، ولی آنچه مهم است اینست که این جریانات و نظرات در آتش پیکار خونین با امپریالیسم پدید گشته و محتوی دموکراتیک همگانی «ضد امپریالیستی نوع جدید می‌باشد که هدفش محو تمام بقایای فیودالیزم و مناسبات طایفه یی و قبیله‌ای است».

روی این حقایق امپریالیسم و عمال سیاه و زرنگ استعمار نوین پیوسته دشمن تعقیب راه رشد غیرسرمایه داری در کشورهای کم رشد آسیایی و افریقایی بوده و سعی می‌کنند که از بسط و توسعهٔ آن به جهت هدف غایی جلوگیری نمایند.

در خاتمهٔ این نظر اجمالی و فشرده بر دو راه رشد، خاطرنشان می‌گردد که راه غیرسرمایه داری از نظر مفهوم تاریخی خود جریانیست انقلابی که بنا بر تغییر در شرایط معاصر جهان امکاناتی برای یک سلسله کشورهای نوبنیاد بوجود آورده است که بدون طی مرحلهٔ سرمایه‌داری یا بدون طی مرحلهٔ سرمایه‌داری قوام یافتهٔ صنعتی، به «هدف غایی» انتقال کند. باین معنی که راه رشد غیرسرمایه داری در دوران کنونی جنبش‌های آزادی‌بخش ملی «در حدود معین همان نقش تاریخی را بازی می‌کند که بر وفق قوانین تکامل اجتماعی می‌بائیست سرمایه‌داری ایفا نماید. ولی این وظیفه در جریان تکامل غیرسرمایه داری

از «ص اول»

امنیت عامه ...

توده‌های محروم و ستمکش.

در طول تاریخ کشور پیوسته لبهٔ تیغ حامیان باصطلاح «امن عامه» با حدت و فشار هرچه بیشتر، علیه خلق زحمتکش و بخصوص علیه آن عده از هموطنان شریف، مبارزان راه آزادی و دموکراسی و استقلال ملی افغانستان بکار افتاده، که در جهت ضد منافع طبقات حاکمه قرار گرفته‌اند.

تاریخ مبارزات ملی ما مشحون از قربانی‌ها و یادگارهای شهدای راه آزادی است که نیروهای سیاه استبداد و استعمار آنان را بی‌رحمانه قربان خودسری‌ها، هوس های شخصی و منافع طبقاتی خود کرده‌اند حالانکه بارها بملاحظه رسیده است که محافل حاکمهٔ سیاسی کشور از جنایتکاران، از گروه‌های ظالم و ستمگر شهری و محلی، از طبقات حاکمهٔ ارتجاعی، از ملاکین فیودال استثمارگر دهات که حتی دهقانان شریف و زحمتکش کشور را زنده می‌سوزانند، خصومتی نمی‌گیرند.

مرتجعین و مستبدین کشور همیشه از وجود آن نیروهای وطن‌پرست و ترقی‌خواه در تشویش می‌باشند که آنها مصمم‌اند فساد، ظلم و ستمگری و استثمار غیرانسانی را از کشور ریشه کن سازند و جامعهٔ مرفه و مترقی نوین و واقعاً با امن را بنا نهند، زیرا موجودیت این نیروهای رزمنده و مبارز بقا و دوام استبداد و ارتجاع، امپریالیسم، فیودالیسم، استثمار استعماری را در کشور مورد تهدید قرار می‌دهد.

ما این اتهامات بی‌پایه را که گویا مبارزات عادلانهٔ مردم در راه احیای حقوق‌شان، موجب اخلال امنیت می‌شود از ریشه رد می‌نماییم و معتقدیم که این منافع ستمگرانهٔ طبقات حاکمه ارتجاعی، تجاوز استبداد و ارتجاع بر آزادی‌ها و حقوق مردم، فقر، مرض جهل و بیکاری و شیوهٔ ادارهٔ استبدادی است که موجبات اخلال امنیت را فراهم می‌گرداند و تا این عوامل از طریق مبارزات دموکراتیک طرد نگردد، تأمین امنیت به شیوهٔ عادلانه امکان‌ناپذیر خواهد بود.

برو پیش برو به نیروی ایمان، به تلاش زانوان، با دو آرنج خراشیده با سر انگشتان خونین
برو پیش برو، از یاد مبر باید بروی، باید برسی، از افتادنت باک نیست،
برو تا دیگران بروند، تا دیگران برسند
بزودی انسانها بحرکت آیند، آنگاه تو یک تن نزار نیستی، هزارها تنی
ترا اگر درهم شکنند، انسان‌ها را کی توان شکست؟
شکست تو شکست نیست، اما پیروزی تو بنیاد پیروزی انسانست
برو پیش برو ای مرد آینده (...)

از (ص اول)

در کشور های کمرشد ...

در آن کشورها بمثابه سلاحی برای تحکیم استقلال ملی و پایگاهی برای دست آوردهای دموکراتیک، مورد استفادهٔ خلق‌ها و نیروهای ترقی‌خواه قرار می‌گیرد.

سکتور دولتی در افغانستان:

توضیح همه‌جانبهٔ علمی این موضوع را به آینده محول می‌کنیم زیرا این سؤال‌ها باید روی حقایق و ارقام روشن گردد که: آیا در اقتصاد افغانستان سکتور دولتی تسلط دارد؟ آیا تقویهٔ سکتور دولتی بزرگترین و موثر ترین عامل وابستگی اقتصادی به امپریالیسم بشمار میرود؟ آیا علت اصلی فقر، بیکاری، جهل و بیماری و دشمن عمده، سکتور دولتی است؟ آیا اقتصاد کشور ما «اقتصاد دولتی» آنهم بنام سکتور دولتی مسمی شده است؟ و ده‌ها مطلب دیگر. معهذالک ارتجلا ارائهٔ ارقام ذیل گویای این حقیقت است که تا کنون سهم سکتور دولتی در حجم کلی تولیدات ملی رقم ناچیزی را نشان می‌دهد:

ارزش حجم کلی تولیدات صنعتی بشمول تولیدات معدنی در سال ۱۳۴۵ معادل ۱۲,۷ ملیارد افغانی، ارزش تولیدات صنایع دستی درین سال ۹ ملیارد افغانی و ارزش پیداوار زراعتی ۳۷,۳ ملیارد افغانی، که مجموع ارزش حجم کلی تولیدات صنعتی و زراعتی درین سال ۵۹ ملیارد افغانی می‌شود که ازین جمله طبق سنجش های تخمینی سهم سکتور دولتی اقتصاد ۳ ملیارد افغانی می‌باشد.

هرگاه سهم سکتور دولتی را در قسمت تجارت ناچیز خارجی و همچنان در قسمت زیرسازی اقتصادی (سرک و مخابرات که علی العموم در تمام کشورهای جهان جز وظایف عادی دولت بشمار میرود هیچ عقل سلیم اجازه نمی‌دهد که به سکتور خصوصی تحویل داده شود) خارج سکتور دولتی اقتصاد در حجم کلی تولیدات ملی (انهم در قسمت صنعتی) بیش از پنج فیصد نمی‌باشد.

ارقام فوق نشان‌دهندهٔ این واقعیت نیز است که در شرایط موجود نظام اقتصادی ـ اجتماعی و اوضاع سیاسی کشور، مناسبات فیودالی و تجاری بزرگ دلال وابسته به امپریالیسم تسلط کامل دارد نه سکتور دولتی اقتصاد. بعبارهٔ دیگر باید خاطرنشان کرد که قسمت اعظم عواید حاصله از حجم کلی تولیدات ملی، به طبقهٔ ملاکین بزرگ ارضی (ملاکین فیودال) و متحدین وی یعنی قشر تجار بزرگ، دلال و قشر بورژوا بیروکرات و نمایندگی‌های انحصارات بزرگ سرمایه‌داری خارجی تعلق می‌گیرد نه به سکتور دولتی اقتصاد و کارگران و دهقانان (مؤلدین واقعی).

به همین جهت به جرئت می‌توان گفت که این ملاکین فیودال و متحدین آن تجار وابسته به امپریالیزم و محافل حاکمهٔ سیاسی آنست که بحیث دشمن عمدهٔ خلق و بحیث مانع عمده در برابر رشد سریع اقتصاد کشور قرار دارد و بزرگترین و مؤثرترین عاملیست که می‌خواهد وابستگی اقتصاد کشور ما را به نفع امپریالیسم به تحریک عمال سیاه و زرنگ استعمار نوین تعمیم دهند.

این نوع استدلال که سکتور دولتی در کشور های کم رشد آسیائی و افریقایی، از جمله در کشور ما علت فقر و بیکاری و مانع رشد سریع اقتصاد ملی می‌گردد، بجز، از طرف روشنفکران و ایدیولوگ‌های فیودالی و بورژوایی و عمال سیاه و زرنگ استعمار نوین دیگر از هیچ جنایی تا کنون اظهار نگردیده است. و نباید اختلاس و رشوه ستانی مأموران بزرگ، سوء ادارهٔ اقتصادی، فساد و مصارف زاید دستگاه اداری دولت...و غیره که محصول سیستم های خاص اجتماعی ــ اقتصادی است سبب نفی سکتور دولتی گردد.

ما با درک شرایط خاص جامعهٔ خود و بر اساس دانش نوین و تجارب کشورهای دیگر معتقدیم که سکتور دولتی اقتصاد مساعد ترین زمینه را برای استفاده از اصول پلانگذاری اقتصادی و پرورش زحمتکشان برای ادارهٔ امور اقتصادی فراهم می‌سازد و از راه همین بخش اقتصاد است که در برابر سرمایه‌های بزرگ خارجی می‌توان پیروزمندانه مبارزه کرد. توسعهٔ سکتور دولتی اقتصاد یکی از موضوعات عمدهٔ مبارزهٔ طبقاتی است، چه نیروهای مترقی همواره در راه تحکیم و توسعهٔ این بخش مبارزه می‌کند، در حالیکه نیروهای ارتجاعی و امپریالیسم برای جلوگیری از رشد وبی اعتبار جلوه دادن آن تلاش می‌کنند.

سکتور دولتی اقتصاد که پایهٔ اقتصادی دولت دموکراسی ملی را تشکیل می‌دهد، در صورتی تأمین شده می‌تواند که: تجارت خارجی، مؤسسات انحصاری خارجی، مؤسسات و شرکت های بزرگ اقتصادی داخلی، بانک‌ها و شرکت های بیمه ملی گردد، رشته‌های جدید اقتصاد دولتی ایجاد و رشد سرمایه‌داری خصوصی محدود شود.

لذا ضروری ترین و مبرم‌ترین موضوعی که برای نیروهای وطن‌پرست دموکراتیک و ترقی‌خواه کشور در شرایط کنونی مطرح می‌گردد، ریشه کن کردن مناسبات اجتماعی و اقتصادی فرتوت فیودالی از طریق اتخاذ راه رشد غیرسرمایه داری و تکامل سکتور دولتی اقتصاد، که بهر حال خصلت ضد امپریالیستی دارد، بجهت منافع توده‌های عظیم مردم و تحکیم روابط اقتصادی و تخنیکی و فرهنگی افغانستان با کشور های صلحدوست و پیشرو است تا بدین‌وسیله قیود امپریالیسم و فیودالیسم از دست و پای نیروهای تولیدی برداشته شود.

جنبش دموکراتیک و ملی افغانستان یک جنبش ضد امپریالیستی و ضد فیودالی است که محتوی کلی آن عبارت است از: محو بقایای استعمار، ریشه کن کردن نفوذ سیاسی و اقتصادی امپریالیسم و انهدام نظامات و بقایای فیودالی و ما قبل فیودالی، انجام اصلاحات اساسی ارضی، رشد و توسعهٔ سریع صنایع ملی، دموکراسی کردن زندگی اجتماعی و بهبود و ارتقای سطح زندگی مادی و فرهنگی مردم و تعقیب سیایت خارجی مستقل و صلح جویانه.

اینها وظایف مبرمی استند که بر پایهٔ آنها و برای اجرای آنها، اتحاد جمیع نیروهای وطنپرست و ترقی‌خواه کشور ما، در جبههٔ واحد و دموکراتیک و ملی که استخوان بندی

هغه خوان چه د وطن په درد سوځیږی
ماتری زرځله قربان او صدقه کړی
که سل ځله په مخ لوپږی پورته کیږی
چه دمرګ په پوله ناست دی لا خوځیږی

از «ص ۲»

راه غیرسرمایه داری ...

نخست در موعد تاریخی کوتاه و فشردهٔ انجام می‌شود وثانیاً با درد و رنج ذاتی سرمایه‌داری توأم نیست».

اینکه میگویند: در وضع موجود سیاسی، اقتصادی و اجتماعی افغانستان، راه رشد غیرسرمایه داری تعقیب می‌گردد، ادعایی‌ست بکلی میان‌تهی وبی بنیاد. ما چنین ادعایی را که بدون در نظر گرفتن وضع عمومی کشور از لحاظ ساختمان و محتوی عمده اقتصادی ــ اجتماعی و ماهیت طبقاتی و ارتجاعی طبقهٔ حاکمه و محافل سیاسی آن با سطحی ساده و عوام فریبانه، در برابر جنبش و خلق ارائه گردد،جداً رد می‌کنیم و در آینده وسیعاً درین مورد تماس خواهیم گرفت. لیکن تا جاییکه به اصول مرامی و مشی استراتیژیک دموکراتیک خلق ارتباط می‌گیرد، ما در راه ایجاد شکل حکومت دموکراسی ملی و محتوای اقتصادی آن یعنی راه رشد غیرسرمایه داری در مرحلهٔ کنونی جنبش آزادی‌بخش ملی و دموکراتیک ضد امپریالیسم و ضد فیودالیسم مبارزه خواهیم کرد و با تحلیل علمی و درک درست شرایط اجتماعی کشور و در نظر گرفتن امکانات و اوضاع بین‌المللی بر مبنای اصول جهان‌بینی علمی در کشف راه‌های نا منکشف جامعهٔ خود دلیرانه به جهت هدف غائی به پیش خواهیم رفت و علیه هرگونه نیروهای سیاه ارتجاعی و مصنوعی که در برابر جریان پر افتخار و با اعتبار دموکراتیک خلق وطن محبوب ما قرار گیرد، در چوکات اصول و اخلاق عالی مترقی بی‌هراس پیکار خواهیم کرد.

در پایان این بحث مقدماتی پرسش‌هایی را در میان می‌گذاریم که آیا در دوران کنونی جنبش آزادی‌بخش ملی نفی راه رشد غیرسرمایه داری در کشورهای نوبنیاد آسیایی و آفریقایی به معنای تائید راه رشد سرمایه‌داری نیست؟ آیا تائید راه رشد سرمایه‌داری درین کشورها دفاع از سرمایه‌داری جهانی و کمال مطلوب انحصارات سرمایه‌داری و امپریالیسم نیست؟ و در نتیجه آیا این کشورها در صورت تعقیب راه رشد سرمایه‌داری پیوسته آماجگاه استثمار نیمه استعماری قرار نخواهند گرفت و نقش «دهکده‌ای در مقیاس جهانی» را ایفا نخواهد کرد؟ آیا امپریالیسم و رژیم های ارتجاعی هوادار امپریالیسم، پیوسته بوسیلهٔ ایدیولوگ‌های فیودالی و بورژوائی، راه رشد غیرسرمایه داری را در کشور های کم رشد از طریق تخریب و بدنام کردن سکتور دولتی اقتصاد در نظر و عمل نمی‌کوبند؟ آیا کسانی که راه رشد غیرسرمایه داری و سکتور دولتی را ناشیانه و بدون تحلیل علمی می‌کوبند، خود حامل نظرات امپریالیستی و عمال سیاه و زرنگ استعمار نوین نیستند؟ پاسخ درست به این سؤال‌ها پرده از روی حقایق بر می‌دارد.

آمو

تذکر:
نسبت تراکم مضامین توضیح برخی از لغات و اصطلاحات ... و ستون «لحظه‌ای با دوستان» در آینده تقدیم می‌شود.

من از مبارزهٔ طولانی در شرایط متفاوتی آموختم که:
هرگز در مسایل اصولی گذشت نکنم.
همیشه در چهرهٔ واقعیت بنگرم. بتودهٔ مردم، اعتماد استوار داشته باشم.
سعادتی بالاتر از آن نیست که سرنوشت شخص با سرنوشت خلقش، که رهایی‌بخش انسانیت است، درآمیزد.
سعادتی واقعی تر از آن نیست که، شخص به نبرد خویش ادامه دهد.
غروری بجا تر ازین نیست که، مشعل فروزان معرفت نوین را، بدست نسل بالنده بسپریم.
به پیروزی بهره دهان بر بهره‌کشان، ایقانی تزلزل ناپذیر داشته باشیم.
خرسندی وجدانی عالی تر از آن نیست که در جهت تاریخ و ترقی، و رهایی بهره دهان و ستمکشان، گام برداریم.

«م. ت»
انتخاب م، ن

خلق ویتنام در راه آزادی ملی

صلح و تمامیت ارضی خود عادلانه پیکار میکند

ملت قهرمان ویتنام مصمم است به پیکار عادلانهٔ آزادی بخش ملی خود، بخاطر آزادی کامل ملی، وحدت مجدد و بیطرفی سرزمین خویش تا سرحد پیروزی نهایی ادامه دهد، قوای بیگانه را از خاک خود بیرون کند، سرنوشت آیندهٔ خود را خود تعیین نماید و باهمهٔ ملل جهان بدون در نظر داشت رژیم‌های اجتماعی شان، مناسبات دوستانه داشته باشد. ولی در برابر آن امپریالیسم بین المللی می‌خواهد در زیر پردهٔ حمایت از حکومت دست نشانده خویش در سیگون ویتنام جنوبی را به پایگاه نظامی خویش مبدل سازد و شیوهٔ خاص زندگانی امریکایی را بر مردم آن تحمیل نماید و بدینوسیله راه پخش نفوذ سیاسی، اقتصادی و نظامی خویش را بسوی تمام حوزهٔ جنوب شرق آسیا باز کند و از آن در راه حفظ و تحکیم پایگاه های نظامی خویش در بحر الکاهل و بحر هند استفاده نماید. برای رسیدن به این هدف است که امپریالیست‌ها جنگ ظالمانهٔ را بر مردم ویتنام تحمیل نموده و دامنهٔ آنرا روز بروز وسعت میدهند. بقول ستیفن ینگ سناتور امریکایی جنگ ویتنام «بیش از نصف قوای هوایی، اضافه از دو بر سه قوای زمینی و نصف قوای بحری امریکا» را بخود جذب نموده است، که اگر نیروی متحدین را به آن بافزاییم، بیش از یک میلیون و چند صد هزار عسکر مسلح و مجهز با عصری ترین سلاح ها و تجهیزات نظامی وارد میدان جنگ گردیده است. از آنجاییکه امپریالیسم در برابر جنبش آزادی بخش ملی مردم ویتنام و افکار عامهٔ تمام بشریت مترقی و صلح خواه (بشمول خلق صلحدوست امریکا) می‌جنگد، هرگز موفق نیست و نخواهد شد که راه و روش خاص زندگانی خود را بر مردم ویتنام تحمیل نماید. چه ملت ویتنام که در نبرد خونین و آتش مبارزه با استعمار و امپریالیسم پرورش یافته، هرگز در برابر تجاوز مغلوب نمی شود و نباید از چنین ملتی انتظار تسلیم دربرابر قوت را، ولو هرقدر بزرگ باشد، داشت.

برای امپریالیزم بگانه راه بیرون شدن از لجن زار جنگ پلیدی که در ویتنام براه اندخته است، اینست که:

- بمباردمان جمهوری دیموکراتیک ویتنام را قطع نماید.
- مذاکرات حل صلح جویانهٔ مسأله ویتنام بدون تعلل وبلافاصله شروع گردد.
- قوای بیگانه طبق معاهدهٔ ۱۹۵٤ ژنیو از سرزمین ویتنام بیرون کشیده شود.

ــ راه برای وحدت مجدد صلح جویانه و بیطرفی ویتنام هموار گردد.

در غیر آن از یک سو ادعای آمادگی برای مذاکرات صلح «در هرجا وهروقت» و از طرف دیگر امر احضار ده ها هزار عسکر تازه دم و اعزام آنرا به ویتنام صادر کردن و مذاکرات صلح را به بهانه های مختلف به تعویق انداختن، هیچ نتیجهٔ برای امپریالیسم بار نخواهد آورد، زیرا خلق ویتنام و مردم صلح دوست جهان دیگرباین مانورها کاملاً آشنائی دارند.

اگر صادقانه در راه تأمین صلح تلاش صورت نگیرد و امپریالیسم دست از تجاوز بر ندارد و این بار نیز در پس پردهٔ تبلیغات و آمادگی برای صلح و مذاکره، دامنهٔ تعرض وسیعتر گردد، ملت ویتنام جز ادامهٔ جنگ عادلانهٔ خود علیه تجاوز، چارهٔ دیگری نخواهد داشت و متجاوز جز شکست ورسوائی حاصل دیگری بدست نخواهد آورد.

(بهیر)

هر گز نمرد...

استاده ام، فراز پلی، بر گمانه ها
گسترده ام نظر،
تا دامن افق،
آنجا که آسمان هری تا کرانه ها،
گوئی بخون نبشته حدیث زمانه ها
و زعصرهای طی شده گوید فسانه ها
***
شامست وخامشی و دل دردهای من
بامستی وخروش
باشور بیکران
راه افق گرفته به بال صدای من
وزشیون شکستن زنجیر های من
جان میدمد بخاک هریوا نوای من
***
در رنگ های مغرب زیبای این دیار
خوانم حدیث خون
خونیکه رفته است
در باستان زمان زرگ مردمان پار
تا برکشد باوج فلک کاخ اقتدار
از بهر آرزوی یکی مرد نابکار
***
زان سوشب سیاه چو دیو خاوران
بر وادی خموش
بر بستر هری
یعنی برین هرات برین شهر باستان
دامن کشد به نفع گروه ستمگران
پنهان کند فجایع تاراج بیگ وخان
***
هر بو که باد آورد از دشت سوی من
از سبزه یازگل
از بته یا زخار
فریاد حسرتیست که آید ببوی من
رنج نگفته ای که کند جستجوی من
آه فراشیست که خیزد بسوی من
***
هر قاتلیکه دست بدین مرز یافته
آنگه، بکام خویش
در ظلمت هوس
سوزیده عالمی و یکی شهر ساخته
او کام ناگرفته برو خصم تاخته
سرها بباد رفته و کاشانه باخته
***
هر فاتحیکه آمده گویی طفل خام

کار اجباری

خبرنگار پرچم از ولسوالی دولت‌آباد ولایت بلخ اطلاع می‌دهد که مأمورین آن ولسوالی خلاف ماده سی و هفتم قانون اساسی، یک هزار و چهارصد و سیزده نفر از دهقانان زحمتکش و اهالی تهیدست چهل و هشت قریه خرد و بزرگ را در آغاز سال جاری، بدون پرداخت دستمزد، طی چندین روز پیهم، مجبور به بیگار نموده و بالای دهقانان ستمکش آن گوشه کشور، روزانه نه ساعت کار شاقه را تحمیل کرده‌اند.

کارکنان پرچم این روش مأمورین حکومت را یک عمل ضد قانون تلقی کرده، معتقد اند تا زحمتکشان کلیه اقوام کشور در راه تعمیم و تعمیق دموکراسی و تطبیق ارزش‌های دموکراتیک قانون اساسی مبارزه نه نمایند، هرگز از قید متنفذین محلی و محافل حاکمه و از رنج بیگار و کارهای شاقه رهایی نخواهند یافت.

در لحظهٔ فراغ،
در راه کاروان،
بگذاشته ز ریگ بیابان بنای بام
باد زمانه آمده برکنده اش تمام
نی نقش خانه مانده بجای نی نقش گام
***
لیکن هنوز مردمک شهرها هرات
استاده جابجا
آرام و استوار
یعنی نگشته محو زغارتگر زمان
از جا نرفته از ستم و قهر فاتحان
دارد هنوز مردم آگاه و قهرمان
***
شمشیر جابران نتوان کشت روح خلق
بر وادی هری
تاریخ شاهد است
آمد هزار موج و نجنبید کوه خلق
هرگز نمرد زیر ستمها گروه خلق
پاینده باد زندگی پرشکوه خلق

سلیمان لایق

اعتصاب شاگردان

شاگردان تخنیک عالی در جریان دوهفته اخیر بغرض دفاع پاره یی از مطالبات صنفی خود پنج روز پیهم اعتصاب کردند و ضمن تظاهرات آرام و منظمی بولسی جرگه رفته شکایات خود را بمقامات مسؤول سپردند.
پرچم انتظار دارد تا در مورد مطالبات صنفی شاگردان تخنیک عالی برخورد جدی صورت گیرت و تسهیلات لازم بخاطر ارتقای سطح تحصیلات تخصصی فرزندان کشور فراهم گردد.

پرچم
به دو زبان پشتو و دری فعلاً بروزهای پنجشنبه نشر می‌شود

سال تأسیس: حوت ۱۳۴۶
صاحب‌امتیاز و مدیر مسؤول: سلیمان (لایق)
آدرس: غوثی مارکیت محمد جانخان واټ کابل - افغانستان

اشتراک
مرکز: سالانه ۱۰۰ ــ افغانی
ولایات و پشتونستان: سالانه ۱۱۰ ــ افغانی
خارج کشور: سالانه ۱۰ دالر
قیمت یک شماره: ۲ - افغانی

نمبر حساب‌جاری جریده: ۳۸۵۳ پښتنی تجارتی بانک

تایپ ویرایش جدید: مسعود حداد

مطبعه دولتی